



بیان

با محوریت پاسخ به پرسش های جوانان

جلد ۲



جلد ۲

مجموعه کتب بیان

با محوریت پاسخ به پرسش های جوانان

تهیه و تولید :	اداره کل تبلیغات اسلامی استان خوزستان
گردآوری :	حجت الاسلام والمسلمین ایمان کسایی
تنظیم :	معاونت فرهنگی اداره کل تبلیغات اسلامی استان خوزستان
ویراستار :	مریم آزادبخت
صفحه آرایی :	علی نبات فروش
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	مینیاتور
نوبت چاپ:	اول
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۲۰۰,۰۰۰ ریال



در این جهادی که وجود دارد، در
این جنگ بی‌امانی که وجود دارد
بین اسلام و کفر، بین حق و باطل،
بین روایت دروغ و حقیقت این جنگی
است بین اینها ما در کجای این جبهه
قرار داریم و حضور داریم؟

۱۴۰۰/۱۱/۰۳



فهرست مطالب

۶ مقدمه
۸ آزادی
۱۰ پوشش اجباری
۱۴ حجاب اجباری
۱۶ ساد در دوران شاه
۱۶ آزادی زنان ایرانی
۱۸ تساوی حقوق زن و مرد
۱۸ تنوع در خلقت
۲۵ دشمنان موجودات زنده
۲۷ حکومت های ضد انسانی
۲۹ ایران قوی

- ۳۰ سقوط آمریکا
- ۳۴ دو نگاه به زن
- ۳۵ نگاه شاه به زن
- ۳۵ رشد و پیشرفت زنان بعد از انقلاب

مقدمه

آن زمانی که امام جامعه، جهاد تبیین را واجب فوری و قطعی دانستند، شاید خیلی‌ها باورش‌شان نمی‌شد در این هیاهوی مسائل اقتصادی، اولویت پرداختن به این موضوع چیست؟ و چرا امام جامعه مهمترین مسأله انقلاب را، روایت حقایق برای نسل نو می‌دانند! تا اینکه با بی‌توجهی به این واجب فوری و قطعی، به یکباره جوانان و نوجوانان را در کف خیابان با شعارهای عجیب و غریب دیدیم! وقتی ما واقعیات را به نسل نو نگوئیم، دشمن آنطوری که می‌خواهد می‌گوید. از سوی دیگر تلاش دشمن بر به هم خوردن تمرکز نظام و دولت انقلابی معطوف شده است چرا که به فرموده رهبر انقلاب، دشمن می‌بیند دولت در حال باز کردن گره‌هاست و لذا نمی‌خواهد دولت بر حل مشکلات جامعه تمرکز کند.

ضرورت امروز، کمک به دولت انقلابی جهت تمرکز بر حل مسائل است که تنها از طریق جهاد تبیین توسط مبلغین و خواص جامعه به دست می‌آید.

محتوای پیش‌رو، چهار شبهه عمده دانش‌آموزان را در مسائل آزادی، و حقوق زنان در جامعه تبیین می‌نماید. سیر ارائه محتوا، بیان روان، اختصار در مطالب، از ویژگی‌های این محتواست که مبلغین محترم می‌توانند در ۴ جلسه ارائه نمایند.



روایت اول

آزادی

یکی از نیازهای همه ما انسانها، آزادیه. دوست داریم هیچکس ما را مجبور به کاری نکنه که دلمون نمیخواد. از محدودیت خوشمون نمیداد، دوست داریم آزادانه فکر کنیم و خودمان تصمیم بگیریم چی بپوشیم، کجا بریم، یا کی بگردیم...

من از شما می‌پرسم، به نظرتون، آزادی همیشه خوبه؟ اگه جوابتون بله هست پس چرا همه انسان ها، بعضی از مواقع از آزادی خوششون نمیداد و دوست دارن محدود بشن. مثلاً همه انسانها دوست دارن داخل چهاردیواری محدود به نام خونه زندگی کنند و از زندگی تو بیابون آزاد و رها و بدون محدودیت فرار می‌کنن. مثلاً تو همه دنیا هرکی میخواد پشت فرمون بشینه، اول کمر بند می‌بنده با اینکه بستن کمر بند باعث محدودیت انسانه. به نظرتون چرا آدم، گاهی از آزادی فرار می‌کنن و کلی هزینه می‌کنن تا خونه بخرن و خودشون رو تو چهار دیواری قرار بدن؟

به خاطر اینکه، گاهی محدودیت، برا انسان سود داره و آزادی ضرر داره. مثلاً گاهی محدودیت برای آدم، امنیت میاره، مثل خونه؛ که آدم برای در امان ماندن از حشرات و سرما و گرما، خودش رو تو چار دیواری محدود میکنه. گاهی محدودیت برای آدم پیشرفت میاره؛ مثل دانش آموزی که قراره کنکور بده. یکسال خودشو تو خونه حبس میکنه، پارک و سینما و رفیق بازی رو کنار میذاره، از آزادی خودش کم میکنه تا کنکور بده، وقتی که بالاترین رتبه رو میاره، اونموقع لذت اون محدودیت و موفقیت رو میچشه.

گاهی محدودیت، سلامتی میاره. کسی که هرچی ببینه بخوره، همه چیز رو قاطعی بخوره، تو خوردن، زیاده‌روی کنه و خودش رو محدود نکنه تو خوردن، این آدم مریض میشه، آدمی سالم میمونه که خوردن خودش رو کنترل کنه.

گاهی، محدودیت نظم اجتماعی میاره. همه کشورهای دنیا برای رسیدن به نظم اجتماعی قوانین و محدودیت هایی رو در رفتار شهروندان خودشون میزارن. تصور کنید که یه شهری، هیچ قانونی نداشته باشه. خب معلومه که هر کی به هر کی میشه. اتفاقاً می‌بینیم در جوامع غربی، محدودیت ها و قوانین اجتماعی، سختگیرانه تره. مثلاً تو آمریکا اگه کسی شراب بخوره

و پشت فرمون بشینه، سه ماه گواهینامه اش گرفته میشه، خودرو متوقف میشه و تا ۵ هزار دلار معادل ۱۵۰ میلیون تومان جریمه میشه.

پس گاهی محدودیت خوبه اما نه همیشه. از اون طرف، گاهی آزادی خوبه. قبل از اینکه به جواب این سوال بپردازیم که چه مواقعی آزادی خوبه، اول لازمه ببینیم آزادی یعنی چی؟ ما نیاز به چه نوع آزادی داریم؟ وقتی نیازمون رو آزادی بفهمیم، اون موقع معنی آزادی رو هم متوجه میشیم. به نظر شما نیاز ما به آزادی چیه؟

هر انسانی برای رسیدن به اهداف خودش، نیاز به آزادی فکر و عمل داره. پس ما برای رشد و پیشرفت نیاز به آزادی داریم. مثل یک گیاه که میخواد رشد کنه نباید به کاسه روش باشه، وگرنه محدود میشه و رشد نمیکنه. اما بعضی ها تصورشون از آزادی اشتباهه.

من از شما می‌پرسم: اگه اون گیاه زیون داشت، به باغبونش میگفت: چرا من رو تو خاک گذاشتی؟ من می‌خوام آزاد باشم! من رو از خاک بیرون ببار! به نظرتون، این گیاه آزادی مثبتی رو می‌خواد یا منفی؟ احسنت: آزادی منفی. چرا؟ چون این آزادی مانع رشد و پیشرفت گیاه میشه.

ما انسان ها هم به آزادی نیاز داریم که ما را به موفقیت و رشد برسونه، نه اینکه ما را از هدفون دور کنه. مثلاً انسانی به خاطر فقیر بودن، اجازه و زمینه درس خوندن براش فراهم نشه. یا ورزشکاری که استعداد این رو داره که قهرمان المپیک بشه، ولی مربیش با دلائل غیر موجهی، اجازه شرکت در مسابقات را بهش نده. این آزادی ها حق هر انسانیه.

حالا باید ببینیم اونایی که امروزه میگن آزادی میخوایم و شعار زن، زندگی، آزادی رو می‌دن، دنبال چه نوع آزادی هستنند؟ آزادی خوب یا بد؟ همه ما به دنبال آزادی خوب هستیم تا هم خودمون رشد کنیم و هم جامعه. اما اگه دشمنان ما به اسم آزادی خواستند ریشه ما رو از خاک بکنند تا ما را فاسد و خراب کنند حتماً باید با آن مقابله کنیم.

کسانی که شعار زن، زندگی، آزادی را می‌دهند، به دنبال دو نوع آزادی هستنند. یکی آزادی پوشش و حجاب، و یکی آزادی بیان و رفتار در جامعه. ابتدا در مورد آزادی پوشش گفتگو می‌کنیم.



پوشش اجباری

میگن با قانون حجاب، شما دارید در حق زن ظلم می کنید! چرا میخواهید زنان رو از حق طبیعی خودشون، که انتخاب نوع پوشش و لباس هست، محروم کنید. اگه موافق باشید از دو زاویه فردی و اجتماعی به جواب این سوال پردازیم.



از نظر فردی:

حیا و عفت و حریم، هم نیاز زنه و هم مرد. موضوع پوشش و حیا، اختصاصی به زنها ندارد. البته زنها و دخترها به دلیل نقش و ویژگی های طبیعی شون، به عفت و حیا بیشتری نیاز دارند. مثلاً دخترها، عاطفه و احساسات بیشتر و حساس تری دارند تا پسر ها، به خاطر همین باید بیشتر مراقبت کنن تا عواطفشون مورد سوءاستفاده بقیه واقع نشه.

به خاطر همین دخترها برای محافظت از خودشون، نیاز به چهارچوب ارتباطی بیشتری دارند. اگه یادتون باشه تو جلسه قبل گفتیم بعضی محدودیت ها مثل خونه، باعث امنیت میشه و اینجا آزادی زندگی در بیابان بی محدودیت به انسان، آسیب میزنه.

حریم، محدودیت مثبته. حریم یعنی من در ارتباطاتم با دیگران، چارچوب دارم، خط قرمز دارم، هر کسی، هر جا و هر زمان و با هر روشی نمیتونه با من هرطوری دلش خواست رفتار بکنه. این یعنی حیا، این یعنی حریم داشتن. پسرها هم به این حریم ارتباطی نیاز دارن. این حریم، به انسان ارزش و اعتبار و کلاس میده.

شما ببینید هرچی آدم ها، باکلاس تر میشن، حریمها شون بیشتر میشه. شما به دکتر عمومی رو راحت تر میتونید ببینید تا به دکتر جراح فوق تخصص خبره؟ شما مدیر مدرسه تون رو راحتتر می تونید ببینید یا رئیس جمهور کشور رو؟ آدمی که زیاد تو دست و پا باشه، برای خودش چارچوب ارتباطی نداشته باشه، بقیه اون رو بی ارزش میدونن! هر کی رد میشه، به سوء استفاده ازش می کنه! مثل کسی که شب و روز در خونه اش رو کامل باز بذاره، خب دزدها میان تمام وسایلش رو می برن.

پس داشتن حریم، نیاز هر انسانیه. اینکه همه بدونن، من با هر کی رفیق

نمیشم، برای رفاقت ملاکها و شرط و شروط خودمو دارم، من هر غذایی نمی خورم، من هر فیلمی نمی بینم، من تو هر گروه و کانالی، عضو نمی شوم. اینا باعث میشه آدم تو چشم بقیه، انسان با ارزشی جلوه کنه. هرچی تو عالم خلقت، با ارزشه، حریمش بیشتره.

مرورید خیلی با ارزشه. برای به دست آوردنش چقدر باید تو اعماق دریا بری و لابلای گیاهان و ماهی های دریا، تا بتونیم به زور یکی پیدا بکنیم. تازه پیداش کردی، با یه صدف، محافظت شده. یا طلا و الماس هر جایی گیر نمیداد، اگه هر جا می رفتیم، طلا پیدا میکردیم، که دیگه طلا گرمی ۱/۵ میلیون نبود، می شد کیلویی ۱۵،۰۰۰ تومن مثل سیب زمینی.

یکی از عوامل ایجاد حریم، نوع پوشش انسانه. هر انسانی با نوع پوشش خودش داره به بقیه اعلام می کنه که من چقدر حریم دارم. دیگران تا چه اندازه می تونن راحت به من نزدیک بشن. دیگه تو جامعه همه جور آدمی پیدا میشه و اونایی که قلبشون مریضه منتظر فرصتی هستن تا از دیگران سو استفاده کنن و چه کسانی بهتر از اونایی که حریم و حیایی ندارن و چراغ سبز به جوونهای هرزه نشون می دن.

آزادی که ارزش ما را به حراج بگذارد و خراب کنه، به درد نمیخوره. این شعار زن، زندگی، آزادی رو ۲۰۰ سال قبل تو کشورهای غربی سر دادند، اسم انقلابشون رو هم گذاشتن، انقلاب فمینیستی، یعنی برابری حقوق زن و مرد.

در رابطه با این موضوع که آیا باید زن و مرد در همه چیز مثل هم باشند، صحبت میکنیم. ولی نتیجه انقلاب در اروپا و آمریکا چی شد؟ اندیشمندان غربی میگن زن های آمریکایی و اروپایی، تو این انقلاب فمینیستی، از چاله درآمدن، تو چاه افتادن. یعنی به خاطر دو سه تا ظلمی که قبلاً بهشون می شد، کاری کردن که بعد از این انقلاب، ده تا ظلم بهشون میشه، و زنها قربانی این انقلاب شدند.

چرا تو غرب این انقلاب شکل گرفت؟ چون قبلاً تو غرب و آمریکا، به زنها حق اشتغال و کار نمی دادن، زنها نمی تونستن مالک اموال شون بشن و بقیه ظلمها... خواستند این حقوقشان رو به دست بیان، گفتن مشکل را از ریشه حل کنیم؛ گفتن: ما میخوایم مثل مردها باشیم و تمام ارزش های زنانگی خودشون رو فراموش کردن.

به طوری که تو مجله آمریکایی با یکی از کارگر های زن شاغل کارخانه

ای در آمریکا مصاحبه میکنه و خبرنگار ازش می پرسه: بالاخره انقلاب زنانه کردید و تونسیتید مثل مردها تو کارخانه ها کار بکنید و آزادی به دست بیارید، حالا از انقلابتون، راضی هستید؟ این خانوم با آه حسرت میگه: کاش انقلاب نکرده بودیم... بعد دست و بازوی کی بود و متورم خودشو نشون میده، میگه: اینجا ما رو مجبور می کنن همون کارهای سنگینی که مردها انجام می دن ما هم انجام بدیم. مثل مردها وسائل سنگین بلند کنیم، کارهای سخت و طاقت فرسا انجام بدیم. وقتی اعتراض میکنیم میگن خودتون خواستید مثل مردها بشید.



اما از جنبه اجتماعی:

هر چیزی که به همه جامعه مربوط بشه، دیگه مساله فردی نیست. میشه مساله اجتماعی. هرکی، هرکاری به صورت فردی و تو خونه خودش انجام بده که جنبه اجتماعی نداشته باشه، حکومت هیچ کاری باهاش نداره. مثلاً کسی که تو خونه شرابخواری میکنه باید پاسخگوی خدا باشه... ولی حکومتهای دنیا، حتی حکومت اسلامی کاری باهاش نداره. اما اگه اومد تو خیابون، شرابخواری کرد، دیگه مسئله فردی نیست، میشه مسئله اجتماعی.

حتی تو خود آمریکا، کسی میخواد شراب بخره، میره تو مغازه، بطری خودش رو انتخاب میکنه، ولی وقتی میخواد از مغازه بزنه بیرون، باید بطری شراب رو پاکتی بذاره تا بقیه این رو نبینند تا اینکه تحریک به خوردن شراب بشن. این قانونه...!

یا مثل رانندگی. کسی نمیتونه بگه من تو ماشین خودم رانندگی می کنم، هر جوری دلم خواست، تو جاده رانندگی می کنم. همه کشورها، جرایم رانندگی دارن. چون درسته من تو ماشین خودم هستم ولی جاده دیگه مال خودم نیست. رانندگی پرخطر من، بقیه رو دچار آسیب میکنه.

پوشش هم یک مسئله اجتماعی، طرف میگه بدن و موی خودمه، هر جور دلم میخواد، میام بیرون. عزیز من! بدن، بدن خودته ولی خیابون مال خودت نیست، مال همه است.

یا اینکه طرف میگه من به پوشش اجتماعی اعتقاد ندارم، رعایت قوانین اجتماعی، ربطی به اعتقادات آدم نداره. مثلاً پلیس جلو راننده رو بگیره، بگه چرا کمر بند نیستی، طرف بگه من به بستن کمر بند اعتقاد ندارم! همه

دنیای این حرف راننده رو قبول نمیکنن و پلیس اون رو جریمه میکنه. همه دنیا، برای پوشش، قانون دارند. شما تو کشورهای اروپایی و آمریکایی، هر جا، با هر نوع لباسی، نمی تونید بگردید. تو ادارات و مدرسه و دانشگاه، قانون پوشش خودشون رو دارند. اخیراً همین خانمی که تو کشور هلند برهنه شد، نیم تنه به پایش پوشیده بود و قسمتی از نیم تنه بالاش رو هم با چسب پوشونده بود. چرا؟ چون تو هلند اینها حداقل پوشش خانمهاست و اگه رعایت نکنن، دستگیر میشن.



مثلاً به چند نمونه از قوانین پوشش، در دانشگاه آکسفورد انگلیس اشاره کنیم:

- ۱- استفاده از لباس باز و بدن نما ممنوع است.
- ۲- موی سر باید رنگ طبیعی داشته باشه، مدل های غیر متعارف ممنوع است.
- ۳- خالکوبی، ممنوع است.
- ۴- پسرها باید کت و شلوار تیره، پیراهن سفید ساده، کراوات و جوراب استفاده کنند.
- ۵- لباس زنان نباید آستین کوتاه باشد.
- ۶- هرگونه آرایش نامتعارف ممنوع است.



قوانین پوشش در دانشگاه هاروارد آمریکا:

- ۱- پوشیدن بلوز یا پیراهن در محیط خوابگاه و رستوران الزامی است.
 - ۲- پوشیده لباس های چسبان، راحتی، بدنسازی، شورت ورزشی و شلوارک در محیط دانشگاه، جایز نیست.
- شاید شما بگی: اونا پوشش شون کمتر از ماست. قبول! ولی اول قبول کنیم پوشش مسئله اجتماعی و اونا هم برایش قانون دارند. بعد به این سوال می پردازیم که چرا پوشش تو کشور ما باید بیشتر باشه؟
- ملاک تعیین میزان پوشش؟

برای پاسخ به این سوال، لازمه این نکته رو اشاره کنیم که قوانین اجتماعی بر اساس مصلحت عموم مردم تنظیم میشه. من سوال از شما

می پرسیم: مصلحت و منفعت عموم مردم رو کی تشخیص میده؟ همین مقدار پوشش رو کی تشخیص میده چقدر باشه؟ یکی میگه چادر، یکی میگه روسری، یکی میگه فقط سر برهنه باشه و بقیه بدن پوشیده باشه، یکی میگه، سر و گردن هم پوشیده نباشه ولی بقیه بدن پوشیده باشه. بالاخره ملاک چیه؟

تو همین کشورهای غربی مدام قوانین شون تغییر میکنه، خودشون هم نمیدونم کدوم کار درستیه. یه بار میگن ازدواج بده، یه بار میگن خوبه، یه بار میگن همجنسبازی خوبه نه ازدواج زن و مرد. این مشکلیه که کشورهای غیر دینی باهاش مواجه هستند. اما بهترین کسی که مصالح و منافع انسان رو می دونه و می خواد انسان رو به کمال و موفقیت برسونه، اون کسیه که ما رو آفریده؛ خداست که میدونه چی به سودمونه و چی به ضررمون. مثل کسی که موبایل رو ساخته، اونیه که باید به ما بگه دستورالعمل استفاده از موبایل چیه! چه کارهایی باید انجام بدیم تا موبایل نسوزه. خالق موبایل میدونه چه عواملی باعث استفاده بهتر از موبایل میشه و چه عواملی اون رو نابود میکنه.

خدا هم ما را آفریده و به همه ابعاد روحی و روانی و جسمی ما اشراف داره. به خاطر همین، قانون خدا ثابت همیشگیه و تغییری نمیکنه. خدا میدونه آدم ها چه کاری انجام بدن که ارزشش و شخصیت و انسانیتشون بهتر حفظ بشه.

وقتی غالب یک جامعه، قبول کردن، خدا حاکم باشه، قوانین خدا که به سود همه است، اعمال بشه، دیگه ملاک قانونگذاری مسائل اجتماعی، میشه نظر خدا. تو کشور ما هم غالب مردم، خدا پرست هستند. مسلمان هستند. حرف خدا و قرآن را قبول دارند. به خاطر همین، ملاک پوششش میشه حرف خدا. خدا هم تو قرآن، میزان پوشش خانم ها رو گفته.

حجاب اجباری

نکته مهم دیگه اینیه که بعضی ها می پرسن: چرا تو ایران حجاب اجباری است؟ مقداری از جواب رو دادیم، ولی جهت پاسخ کامل، لازمه به چند نکته اشاره کنیم:

اول اینکه: حجاب تو ایران، اجباری نیست. چون حجاب، تعریف مشخصی داره. حجاب، یک پوشش کامل رو شامل میشه. الان تو جامعه ما، اگه کسی حجاب کامل نداشته باشه، آیا باهاش برخورد میشه؟ خیر. طبق آمار ۷۰ درصد خانم های ایرانی حجاب کامل ندارند. اکثراً کم حجاب هستند.

دوم اینک: اون چیزی که تو ایران اجباریه، پوشش اجباریه نه حجاب اجباری. و گفتیم که تو همه دنیا پوشش اجباریه! حالا یکجا کمتر، یکجا بیشتر.



سود هرزگی:

به نظر شما چرا جمهوری اسلامی باید روی حجاب پافشاری کند و برای آن اینقدر هزینه بدهد؟ آیا راحت‌تر نیست که پوشش و سایر محدودیت‌ها در روابط را آزاد کند و اجازه دهد مردم در این لذت‌های مادی غرق شوند و دیگر کاری به کار حکومت نداشته باشند؟

اتفاقاً تمام نظام‌های سیاسی دنیا، نفع خود را در این می‌بینند که مردم و به خصوص جوانان در سرگرمی و لذت‌های جنسی غرق باشند و در عوض آنها به حکومت خود ادامه دهند. اتفاقی که در کشورهای غربی رخ داده است. جمهوری اسلامی نیز اگر صرفاً حفظ قدرت و حکومت برایش مهم باشد، راحت‌ترین کار همین است!

اما از آنجایی که کرامت انسانی و رشد استعداد‌های انسان و به خصوص زنان، برای جمهوری اسلامی مهم است، روی این اصل ایستاده است و برای آن هزینه می‌دهد و شهید تقدیم می‌کند. و نمی‌گذارد زنان به کالای لذت جویی مردان تبدیل شوند.

برای روشن شدن اهمیت این اقدام، کافی است به سند زیر دقت کنید:
در سال ۲۰۰۱، شاهزاده بندر بن سلطان، سفیر عربستان سعودی در واشنگتن، در گفت‌وگویی که با نیویورک تایمز انجام می‌دهد، درباره‌ی مقایسه‌ی عربستان امروز و ایران زمان شاه می‌گوید: در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰، شاه ایران، تعدادی نامه‌ی محرمانه به ملک فیصل، پادشاه عربستان، نوشت. وی در یکی از آنها نوشته بود:

برادرم! از تو خواهش می‌کنم دست به مدرنیزاسیون بزن. درهای کشور خود را باز کن. آموزشگاه‌های مختلط پسر و دختران را باز بگذار. دیسکو برگزار کن. مدرن باش، وگرنه تضمین نمی‌کنم که بتوانی تاج‌وتخت خودت را نگه داری.

یعنی همین کاری که امروز بن سلمان در عربستان انجام می‌دهد. کنسرت‌های مختلط و انواع برنامه‌های آزاد برای جوانان برگزار می‌کند تا دیگر کسی به اقدامات جنایتکارانه او، مانند حمله به یمن یا اعدام بیش از ۸۰ نفر جوان معترض در یک روز و یا قتل شیعیان توجه نکند.

فساد در دوران شاه

اینجا مناسب است به اقداماتی که شاه برای مشغول کردن جوانان به فساد و بی‌بندوباری انجام داده بود اشاره کنیم:

۱- تعداد زنان دانشگاهی (۱۲/۸۸۴ نفر) کمتر از یک سوم تعداد زنان بدکاره (۵۰/۰۰۰ نفر) بود.

۲- تعداد کتابخانه‌های کل کشور (۲۹۰ کتابخانه) کمتر از یک سوم تعداد مشروب‌فروشی‌های فقط شهر تهران (۸۰۰ باب مغازه) بود.

۳- میزان مصرف آبجو روزانه در شهر تهران، ۴۰۰/۰۰۰ بطری بود و این در حالی بود که تعداد کتاب‌های منتشرشده کل سال در کشور، تنها حدود ۱۰۰۰ عنوان بود.

۴- تعداد دانشگاه‌های کشور (۲۲۳ دانشگاه) کمتر از یک‌پنجم تعداد خانه‌های فساد (۱/۱۲۰ مرکز) بود که برخی از آنان در جهان سرآمد بودند، مانند کاباره شکوفه نو، که یکی از چهار کاباره معروف جهان بود.

۵- در دورانی که در ایران، به‌ندرت کارخانه‌ای دیده می‌شد، ۴۰ کارخانه تولید مشروبات الکلی وجود داشت که در ۸۰۰ مرکز فروش مشروبات عرضه می‌شد.

آزادی زنان

یکی از جنبه‌های دیگر آزادی، آزادی بیان و عقیده است. در این جا مناسبه که مقایسه‌ای بین آزادی بیان در ایران و سایر کشورها داشته باشیم.

چند نمونه‌های از آزادی بیان در غرب:

۱- در جشنواره کن "لارس فون ترییر" در نشست خبری گفت: "ضدیهود نیستیم؛ اما اسرائیل موی دماغ است" بلافاصله جشنواره طی بیانیه‌ای او را «عنصر نامطلوب» خواند و از جشنواره اخراجش کرد و با تهدید مجبور به عذرخواهی شد.

۲- "جینا کارانو" بازیگر جنگ ستارگان و سومین بوکسور زن دنیا بخاطر توییتهی درنقدهلوکاست اخراج شد.

۳- "مل گیبسون" کارگردان مشهور، بخاطر انتقاد از رفتار یهودیان کنار گذاشته شد.

۴- "کلت کلر" صاحب ۵ مدال المپیک برای آمریکا به خاطر شرکت در اعتراضات کنگره به ۳۰ سال زندان محکوم و برای همیشه از تیم ملی کنار گذاشته شد.

۵- توئیتر در دی ماه ۱۳۹۹ اکانت ترامپ و ۷۰ هزار طرفدارش را مسدود کرد.

۶- کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال فرانسه "ادریسا گوئی" بازیکن تیم پاری سن ژرمن را بخاطر حمایت نکردن از همجنسگرایی احضار کرد.

۷- مردی که با اتومبیل روی پرچم همجنس بازان نقاشی شده کف تقاطع رد لاستیک انداخته بود به ۵ سال زندان و ۱۲۰۰۰ دلار جریمه محکوم شد.

۸- باشگاه بارسلونا «عبدالصمد اززولی» بازیکن خود را مجبور به حذف استوری‌های اینستاگرامش در حمایت از حقوق فلسطینی‌ها کرده است.

۹- یوتیوب، مصاحبه تولسی گابارد نماینده کنگره با فاکس نیوز را که در آن بایدن و هیلاری کلینتون را به برافروختن جنگ در افغانستان و تحریک اوکراین علیه روسیه متهم کرده بود، حذف کرد.

۱۰- اندی استون، سخنگوی «شرکت متا» گفت که متا به طور موقت ممنوعیت تحریک به خشونت علیه ارتش روسیه و نه علیه غیرنظامیان روسی را لغو کرده است.

۱۱- کانادا یک نوع سیب زمینی سرخ کرده که تلفظ اسمش شبیه به نام رئیس جمهور روسیه یعنی «پوتین» بود تا اطلاع ثانوی از منو برداشته شد.

۱۲- دانشگاه میلان بیوکا در راستای تحریم روسیه درس ادیب بزرگ روسی داستایوفسکی را حذف کرد!

۱۳- «وویی گلدبرگ» مجری برنامه گفتگو محور The View در شبکه ABC آمریکا در پی اظهاراتش در باره هولوکاست به مدت دو هفته از کار تعلیق شد. او تنها گفته بود که هولوکاست ادعایی یهودیان، ارتباطی با تبعیض نژادی نداشته است.

۱۴- خانم فاطمه انوری، معلم ایرانی در استان کبک کانادا، بخاطر داشتن روسری از تدریس منع شد.

۱۵- برنا لاپین سلبریتی معروف ترکیه‌ای گفته برای ادای توضیحات احضار شده، چون در صفحه شخصیش گفته «گیلاس گران است»!

۱۶- چند روز بعد از هجوم طرفداران دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا،

به کنگره، بعضی از عوامل خشونت‌ها در ساختمان «کاپیتول هیل» در حال شناسایی از سوی پلیس فدرال آمریکا هستند و تصاویر آنها در حال انتشار در شبکه‌های اجتماعی است و هم‌زمان با شناسایی این افراد در بحران روز چهارشنبه در کنگره، از کار خود اخراج شده یا در حال اخراج شدن و ترک مشاغل خود هستند.

۱۷- در کشور ترکیه در سال ۲۰۱۶ کودتای نافرجامی اتفاق افتاد. دولت وقت ترکیه پس از کودتا، ۳۰ استاندار (از ۸۱ استان در کل)، ۲۷۴۵ قاضی و دادستان (توأم با ضبط دارایی نقدی، خانه و املاک ایشان به نفع دولت)، ۱۷۵۵ رئیس و معاون رئیس دانشگاه، ۴۹۲ نفر از کانون مذاهب، ۳۰۰ کارمند وزارت امور اجتماعی، ۲۷۵ کارمند دفتر ریاست جمهوری، ۲۵۴ کارمند وزارت ورزش و جوانان، ۱۸۴ کارمند وزارت اقتصاد، ۱۸۰ کارمند اطلاعاتی، ۲۱۷۰۰ معلم غیردولتی، ۱۵۲۰۰ معلم و کارمند وزارت فرهنگ، ۱۳۰۰ کارمند وزارت کار و ۹۰۰۰ کارمند وزارت داخله را اخراج کرد و تمامی آکادمیسین‌ها را تا اطلاع ثانوی ممنوع‌الخروج اعلام نمود. دولت ترکیه تا تاریخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶، بیش از ۱۸۰۰۰ نفر را دستگیر و زندانی کرده که از این تعداد ۷۵۰۰ نفر ارتشی و ۱۴۰ نفر قاضی دیوان عالی کشور هستند. در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۶ دولت حکم جلب و حبس ۴۲ روزنامه‌نگار معروف را صادر کرد. هم‌چنین دولت ترکیه تا تاریخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶ گذرنامه بیش از ۵۰۰۰۰ نفر را باطل کرد تا نتوانند کشور را ترک کنند.

مناسب است این برخورد را با برخورد جمهوری اسلامی با فتنه عظیم سال ۸۸ مقایسه کنیم. جمهوری اسلامی به پیروی از مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام که در جنگ جمل، یکی از سران فتنه را که در مقابل امام ایستاده بود، مورد عفو قرار دادند، تنها اقدامی که برای سران فتنه در نظر گرفت، حصر خانگی بود. سعه صدر بی نظیر جمهوری اسلامی تا بدان‌جا پیش رفت که بسیاری از کسانی که در سال ۸۸ از فتنه حمایت کردند، چهار سال بعد مهم‌ترین پُست‌های حکومتی را در جمهوری اسلامی به دست گرفتند.



روایت دوم

تساوی حقوق زن و مرد

آنچه که بعضی ها با شعار زن، زندگی، آزادی به دنبالش هستند، تساوی حقوق زن و مرد هست. گویا در جامعه ایران، مردها از آزادی عمل بیشتری نسبت به زنها برخوردارند. حق زن ها در حال پایمال شدن است.

آنچه که باعث این شبهه و سوال شده، این است که زن و مرد هر دو انسان هستند ولی چرا زن باید بیشتر از مرد پوشش داشته باشد؟ چرا زنها باید بشینند تو خونه، بچه بزرگ کنند و مردها تو اجتماع اثرگذار باشند. چرا مردها می توانند آزادانه دوچرخه سواری کنند ولی دخترها، نه؟ چرا مردها به ورزشگاه ها می رن ولی زنها نه؟

یکی از مسیره‌های اشتباهی که زنها برای احقاق حقوق خودشون تو خیلی از کشورهای غربی و آمریکایی پیش گرفتند این بود که خواستند بگن ما هم می‌خواهیم مثل مردها باشیم و از ارزش های زنانگی خودشون فاصله گرفتند.

تنوع در خلقت

چون بحث به اینجا رسید، لازمه به این نکته اشاره کنیم که خدا تو این عالم هر چیز رو که آفریده، برای هدفی آفریده. به خاطر همین خداوند هر موجودی رو متناسب با نقش و هدفش، متنوع و متفاوت آفریده. خدا کوه رو آفرید برای هدفی، دریا رو هم آفرید برای به هدف دیگه. هدف خلقت کوه با دریا فرق میکنه. به خاطر همین نوع خلقت کوه و دریا باید تفاوت کنه.

تفاوت در خلقت، هنر و عدالت خلقت خداست. شما فرض کنید یک نقاش وقتی تابلوی قشنگی میکشه که از رنگ های متنوع استفاده کنه. اگه فقط از مشکی پر رنگ استفاده کنه، نمی تونه به طبیعت زیبا بکشه.

خدا همه انسانها رو در شرافت انسانی مشترک آفرید، ولی همه انسان ها رو با استعداد های گوناگون آفرید. خدا به بعضی ها استعداد فنی داده، به بعضی ها استعداد هنری داده، بعضیا میتونن پزشک خوبی بشن، بعضی ها می تونن مکانیک خوبی بشن. اگه خدا به همه یه استعداد مشترک می داد، چی میشد؟ مثلاً به همه فقط استعداد فنی می داد، بقیه شغل ها، تعطیل می شد و نیازهای متنوع ما برطرف نمی شد. ما هم نیاز به قصاب داریم، هم معلم، هم پزشک...

خدا به بعضی‌ها استعداد هنری داده، ولی استعداد فنی نداده. اینجا خدا ظلم نکرده. چرا؟ چون به یکی دیگه، استعداد فنی داده ولی استعداد هنری نداده. پس خدا به همه انسان‌ها، به سری استعدادها و نعمت‌ها داده و به سری نعمتها نداده، تا اینکه ما انسانها به هم نیاز داشته باشیم و بتونیم زندگی اجتماعی تشکیل بدیم. وگرنه آگه من نقصی نداشته باشم و همه استعدادها و توانمندی‌ها رو داشته باشم، چرا زندگی اجتماعی کنم؟ خودم نیازم رو برطرف می‌کنم.

یکی از تنوع‌های خلقت خدا، تنوع جنسیتی است. خدا همه موجودات عالم رو زوج آفریده و فرموده: ((و من کل شیء خلقنا زوجین)) از هر چیزی، جفت نر و ماده، مثبت و منفی آفریدم. خدا همه عالم از جمله انسان‌ها رو زوج آفرید. مذکر و مؤنث، زن و مرد. و اینها در انسانیت مشترک آفرید ولی در بقیه چیزها، متفاوت آفرید. چرا؟ چون هدف خلقتشون متفاوت. چون نقشی که باید مرد ایفا کنه، با نقشی که باید زن ایفا کنه، متفاوت.

به خاطر همین، خدا به مردها استعدادهایی داده که به زنها نداده و برعکس. به زنها استعدادهایی داده که به مردها نداده. این تفاوت‌ها هم در جسم، هم روح و روان و هم استعدادها و علاقه‌های زن و مرد وجود داره که به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌کنیم:

تفاوت زن و مرد از لحاظ فیزیولوژیکی و جسمی:

- ۱- معمولاً مردها، اندام درشت‌تر و بلند قد تری نسبت به زن‌ها دارند.
- ۲- صدای مردها کلفت‌تر و صدای زنان نازکتر است.
- ۳- رشد بدنی زن، سریع‌تره. جنین دختر، رشد بیشتری داره.
- ۴- مقاومت زن در برابر سختی‌ها و دردها و مشکلات، بیشتر از مردهاست.
- ۵- جسم دختر، زودتر از پسر بالغ میشه.
- ۶- مغز مردها، بزرگتر از زنهاست. البته نسبت مغز به بدن زن‌ها، بزرگتر از مردهاست.
- ۷- ریه مرد، هوای بیشتری، تنفس میکنه.
- ۸- ضربان قلب زن، تندتر میزنه.



از لحاظ روحی و روانی:

۱- مردها، تمایل به انجام کارهای پر تحرک دارند، ولی زنها، کارهای آرام‌تر رو بیشتر دوست دارند.

۲- احساسات مردها، مبارزانه است، ولی زنها، صلح‌جوینانه است. به خاطر همین خودکشی در زن‌ها کمتر است.

۳- احساسات زن، سریع به جوشش در می‌آید، ولی مردها سرد مزاج هستند.

۴- زنها بیشتر به تبرج و خودنمایی علاقه دارند تا مردها.

۵- احساسات زنها، غیر پایدارتر از مردهاست. مرد، رازدار تر از زن است.

۶- زنها، پر حرف‌تر، محتاط‌تر و تشریفاتی‌تر هستند.

۷- علاقه مردها، بیشتر به علوم عقلی است، ولی زنها به هنر و ادبیات، علاقه بیشتری دارند.

۸- مردها، علاقه دارند پشتیبان زن و همسر خود باشند و زن‌ها دوست دارند پشتیبانی شوند.

۹- زن از مردش، حمایت می‌خواهد و مرد از زنش، عاطفه و مهربانی

خب، این تفاوتها برای چیه؟ برای اینکه خدا تو زندگی به مرد نقشی داده و به زن نقش دیگه‌ای. مثل کارگردانی که می‌خواهد فیلمی بسازد، به یکی نقش مهندس میدهد به یکی، نقش پلیس. به خاطر همین به مهندس کت و شلوار می‌ده پوشه، به پلیس لباس نظامی. این تفاوت پوشش، به خاطر تفاوت در نقش بازگیرشونه. این تفاوت، ظلم به مهندس و پلیس نیست، اتفاقاً عین عدالت، چون متناسب با نقششونه.



تفاوت نقش زن و مرد:

مهمترین نقشی که خدا برای زن و مرد قرار داده اینه که خدا به زن، نقش تربیت جامعه و نسل رو داده و به مرد، نقش مدیریت و تامین اقتصادی خانواده رو داده. حالا اگه ضرورتی پیش اومد عیبی نداره مرد به کمک زن بره و زن به کمک مرد. مرد در تربیت فرزندان، به همسرش کمک بکنه و زن در تامین اقتصادی و مالی خانواده، به مرد کمک بکنه. این عیبی نداره. این کمک‌ه ولی نقش اصلی نیست.

این تفاوت نقش‌ها، باعث تفاوت در نوع اختلافات جسمی و روح و استعدادهای مرد و زن شده.

اگر کسی شعار بده که ما می خواهیم زن و مرد مثل هم باشند، یعنی زن ها هم مثل مردها باید برن سربازی، باید برن پول دربیارن برای شوهر و بچه هاشون، باید موقع جنگ اسلحه بگیرن مثل مردها برن جنگ، یا مثل مرد ها باید برید تو کارخانه های بزرگ مثل فولاد، کنار کوره چند هزار درجه گرما، بایستید، پوستتون بسوزه و کارهای سخت و سنگین انجام بدید. یا به مردها گفته بشه مثل زن ها شما هم باید بچه بیارید. آیا این تساوی، برای زن و مرد خوبه یا بد؟ هرکس به دنبال تساوی حقوق زن و مرده، به دنبال ظلم به زن و مرده.

تکامل زن و مرد:

از طرف دیگه، زن و مرد رو خدا متفاوت آفرید تا همدیگه رو کامل کنند. بتوانند با هم خانواده تشکیل بدهند و نیازهای روحی و روانی همدیگه رو برطرف کنند و باعث رشد و کمال همدیگه بشن. مثل رابطه شانه سفت و سخت با موی نازک. اگر مو هم مثل شانه سفت بود، هیچ مویی شونه نمی شد و اگر شونه مثل مو، نرم و نازک بود باز هیچ مویی شونه نمی شد. خدا، مرد رو موجودی سخت و خشن و محکم آفرید و زن رو با لطافت و احساسات. تا هم مرد بتونه پشتوانه محکمی برا همسر خودش باشه و هم زن بتونه نیازهای عاطفی همسر خودش رو برطرف کنه. اگر هر کدوم از ما، نقش و استعدادها و توانمندی های خودمون رو کشف کنیم، هیچ وقت دوست نداریم کسی دیگه ای خلق می شدیم و همیشه از خدا بابت این نوع خلقتمون، شکر گذار می شدیم.



روایت سوم

دشمنان موجودات زنده

وقتی با دقت به اطرافمون نگاه می‌کنیم، می‌بینیم هر موجود زنده‌ای، دشمنی داره که میخواد حیات و زندگیش رو نابود کنه. هر گیاه و حیوانی دشمنی داره. دشمن کرم، جوجه است، دشمن جوجه، گربه است. دشمن گربه، سگه.

اگه هر حیوانی، مواظب دشمنش نباشه، بلعیده میشه، نابود میشه. گیاهان هم همین طور. گیاهان هم به عنوان یه موجود زنده که غذا میخورند، رشد میکنند، دشمن دارن؛ آفت‌ها، کرم‌ها، دشمن‌های گیاهان هستن که باعث میشن گیاهان خشک بشن، از بین برن.

انسان هم یه موجود زنده است و چون یه موجود زنده است، دشمن داره. این قانون طبیعته. کسی که دشمنش و شناسه و فکر کنه هیچ کسی کاری به کارش نداره، سخت در اشتباهه. قبل از اینکه بگیم دشمن‌های ما چه موجوداتی هستن اول به این سوال پاسخ بدیم که چرا هر موجود زنده‌ای دشمنی داره و چرا خدا این قانون رو برای همه موجودات زنده، گذاشته؟ چرا دشمن؟

یکی از مهمترین دلایل اینه که، موجود زنده، مجبور میشه به خاطر اون دشمن، خودش رو قوی بکنه. اونقدر قوی بشه که دشمن نتونه بهش ضربه بزنه؛ مثل باغبان که به گیاهان سم میزنه تو اونارو در مقابل آفت‌ها قوی بکنه. این فایده، برای انسان، خیلی بیشتره؛ چرا؟ چون انسان با اختیار خودش میتونه خودش رو در مقابل دشمن‌هایش قوی و قدرتموند کنه و این باعث رشد و تکامل انسان میشه.

معرفی دشمن انسان:

به خاطر همین خدا همزمان با ابتدای خلقت انسان، دشمنش رو بهش معرفی کرد. چطور؟ صحنه‌ای رو خدا طراحی کرد که انسان با دشمن خودش مواجه بشه.

حضرت آدم و حواری توی مکان سرسبز و پر نعمت قرار داد و کلی نعمت بهشون داد تا از زندگی لذت ببرند، فقط بهشون گفت: از این درخت خاص نخورید. بعد از مدتی که حسابی به حضرت آدم و حوا خوش گذشته بود، خدا بازیگر دیگه این فیلم به نام ابلیس رو وارد عمل کرد. ابلیس خودش را بسیار زیبا کرد، جذاب و قشنگ اومد پیش حضرت آدم و حوا؛ تا چشمشون

به ابلیس افتاد، متحیر شدن!

گفتن تو چقدر زیبایی! چقدر قشنگی! چیکار کردی که خدا آنقدر زیبایی بهت داده؟ ابلیس گفت: تازه خدا یه نعمت دیگه ای هم بهم داده و اون اینه که عمر من بی نهایته. من هیچ موقع نمی میرم، از بین نمی رم. حضرت آدم پرسید: چیکار کردی تا این نعمت ها گیرت اومده. ابلیس گفت: از میوه اون درخت خوردم! کدوم درخت؟ همون درختی که خدا بهشون گفته بود، نزدیکش نشید، از میوه اش نخورید!!!

آدم و حوا کمی رفتن تو فکر، وسوسه شدن، میل به زیبایی و بی نهایت طلبی شون به جوشش دراومد. ناخودآگاه رفتن به سمت درخت. تا به درخت، دست زدن. خدا فرمود: صحنه فیلمبرداری تموم شد. ای آدم و حوا! گول دشمن تون رو خوردید. حالا از این بهشت خوش و خرم خارج بشید و روی کره زمین ادامه زندگی بدید. خواستم بهتون نشون بدم که قراره تو زندگی با چه موجودی زندگی کنید.

این ابلیس خبیث، قسم خورده تا همه شما انسان ها رو با روش های گوناگون به هلاکت برسونه، نابودتون کنه. با دروغ و نیرنگ و کلک، همه تون رو از انسانیت بندازه. نمیخواد قدرت شما انسان ها بیشتر از قدرت های مادی اون بشه. اون دوست نداره شما بنده خدا بشید تا قوی بشید. میخواد شما رئی ضعیف کنه تا بتونه بر شما تسلط داشته باشه.

اونجا بود که آدم و حوا دیدن چون به حرف ابلیس و دشمن درجه یکشون گوش دادن، چه نعمت بزرگی رو از دست دادن. چه زندگی خوشی رو از دست دادن. فهمیدن ابلیس با نشان دادن جذابیت های ظاهری، می خواد زندگی خوب و خوش رو از ما انسانها بگیره. وقتی از بهشت اخراج شدن، سالیان سال، شروع کردن به گریه و زجه زدن تا خدا اونا رو ببخشه، در اصل غصه میخوردن چرا فریب دشمن شون رو خوردن.



برنامه اصلی ابلیس:

ابلیس برای تک تک ماها برنامه داره تا نابودمون کنه. یکی رو از راه قدرت طلبی، یکی رو از راه پول پرستی، یکی رو از راه شهوت، یکی رو از راه فضای مجازی، یکی رو با اعتیاد و

البته ابلیس به جای اینکه، تک تک ما رو بیچاره کنه، تک تک ما رو غرق کنه، همه مون رو یه باره میخواد سوار قایق بکنه، بیره وسط دریا، همه

مون رو با هم غرق کنه! یعنی چی؟ یعنی ابلیس میخواد جامعه و حکومت فاسد و غیر خدایی تشکیل بده که کسی به فکر رشد و کمال و خداجویی نیفته. همه دنبال قدرت و شهرت و شهوت و شیطان پرستی بیفتند. در طول تاریخ، ابلیس زحمت کشیده، نقشه کشیده، تا حکومت های شیطانی و غیر خدایی رو سرکار بیاره. از فرعون ها گرفته تا نمرود و قارون ها و تا به امروز، که صهیونیسم و استکبار نمونه این حکومت های شیطانی هستند.

حکومت های ضد انسانی

امروز تمام همت ابلیس برای نابودی بشر، حمایت از حکومت هایی است که ضد خدا هستند، ضد انسانیت هستند. برای رسیدن به قدرت و ثروت، حاضرند دوتا بمب اتم بنداز رو دو شهر هیروشیما و ناگازاکی و بیش از ۲۰۰ هزار نفر انسان رو در یک لحظه نابود کنن.

ابلیس داره حمایت می کنه از حکومت های فاسدی که برای کشور گشایی و توسعه قدرت خودشون میان داعش رو تشکیل میدن و ازش حمایت می کنن، که اونقدر این داعشیا رذل و پلید بودند که یک زن باردار را می گیرن، جنینش رو درمیارن و جلوی مادر، سرش رو می برن. اونقدر اینها رذل و پلید هستند که خانواده ای رو دستگیر می کنن، مادر رو از بچه ها جدا می کنند. چند روز به مادر، غذا نمیدن، بعد از چند روز غذا میارن جلو مادر، مادر میگه من بچه هام و می خوام، غذا نمیخورم. میگن تو غذاتو بخور تا بهت بگیم بچه هات کجا هستن!! وقتی چند لقمه غذا میخوره، بهش میگن بچه هات و کشتیم و تو الان داری گوشت بچه ها تو میخوری!!!

این حکومت های ابلیسی اونقدر رذل و پلید هستند که فقط تو جنگ جهانی اول، ۱۰ میلیون نفر رو کشتند. همین آمریکایی های فعلی، وقتی ازاسپانیا با جنگ وارد سرزمین آمریکا شدن، به گواه تاریخ صد میلیون نفر رو کشتند.

هلوکاست ایرانی:

همین صد سال قبل، همزمان با جنگ جهانی اول، با اینکه ایران اعلام بی طرفی کرد ولی انگلیس، ایران را اشغال کرد. با توجه به جنگ جهانی و کمبود مواد غذایی در جهان، انگلیس تمام مواد غذایی کشاورزان ایران را

پیش خرید کرد و توی انبار های خودش احتکار کرد تا بتواند آذوقه سر بازار خودش رو به مدت زیادی تأمین بکنه.

کمبود مواد غذایی از طرفی و شروع بیماری وبا از طرف دیگه باعث شد که قریب به ۵۰ درصد مردم ایران رو به تعداد ۹ میلیون نفر کشته بشن که اینها اجداد من و شما بودند. و اون انگلیس خبیث بود که با احتکار مواد غذایی، باعث نابودی ما ایرانی ها شد و امروز با ابزارهای دیگه ای برای نابودی ما اومده. بعضی ها اصلا نمیخوان باور کنند ما دشمن داریم. دشمنی که با ایرانیّت و اسلامیت و انسانیت ما مشکل داره. این آدمای وقتی بیدار میشن که به قول امام علی علیه السلام دشمن وارد خونشون میشه و وقتی که تو خواب ناز هستن، با چکمه پا میداره رو سینهش و کارش رو تموم میکنه و اون موقع متوجه میشه دشمن داره.



جیغ ابلیسی ها:

این دشمنی ها از وقتی بیشتر میشه که ما تو سال ۵۷ به دنیا اعلام کردیم میخوایم مستقل باشیم. نمیخوایم ایران و ایرانی مستعمره شما باشه. ما نمی خواهیم برده خواسته های شما باشیم. ما نمی خواهیم مثل عربستان، گاو شیرده شما باشیم. اما این ابراز وجود، خیلی به آنها برخورد. خیلی اون ها را عصبانی کرد؛ چون تو اندیشه اونا این بود که آقای جهان و کد خدای جهان، مردم اروپا و آمریکا هستند و بقیه انسانها باید سر باز و برده خواسته های آنان باشند.

حالا میبینن مردم ایران میگن ما آقای شما را قبول نداریم. ما خودمون برای خودمون آقا هستیم. رئیس خودمون هستیم. دیگه نمیخوایم شما برامون نخست وزیر انتخاب کنید. نمیخوایم شما برامون دولت و شاه انتخاب کنید. دیگه نمی خوایم نفت ما رو بدوزید و پولش رو بهمون ندید. دیگه نمی خواهیم به ما به چشم انسان های درجه دو نگاه کنید.

هویدا نخست وزیر شاه میگه: من اومدم اهواز، رفتم باشگاه راه آهن که متعلق به آمریکایی ها بود، دیدم ورودی باشگاه این آمریکایی ها نوشته بودن: ورود ایرانی و سگ به باشگاه ممنوع. آمریکایی ها به ما اینطوری نگاه می کردند. یا با وضع قانون کاپیتولاسیون مصوب کردن هر آمریکایی تو ایران، هر غلطی کرد، حکومت ایران حق نداره بهش بگه بالا چشمت

ابروئه. حق نداره محاکمش کنه. میبریمیش آمریکا، خودمون تصمیم میگیریم باهاش برخورد کنیم یا نه. ولی ایرانی حق نداره به سگ امریکایی دست بزنه، خودمون مجازاتش میکنیم.

مهمترین علت قیام مردم بر علیه رژیم شاه و آمریکا، رسیدن به استقلال بود و این حرکت خیلی برای آنها سنگین بود. به خاطر همین از همان روزهای اول شروع کردن ضربه زدن به قیام مردم. تا اینکه این انقلاب مردمی شکست بخوره.

چند نمونه از اقدامات آمریکایی ها برای نابودی ایران:

- ۱- راه اندازی جنگ هشت ساله صدام بر علیه ایران و شهادت قریب به ۲۰۰ هزار نفر ایرانی
- ۲- تحریم های شدید نظامی در دوران جنگ
- ۳- حمایت از گروهک منافقین و ترور رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس قوه قضاییه، نمایندگان مجلس و ۱۷ هزار انسان بیگناه
- ۴- حمله نظامی به طبس
- ۵- اعمال تحریم های شدید اقتصادی
- ۶- تحریم داروهای بیماری های صعب العلاج
- ۷- راه اندازی داعش جهت نابودی ایران
- ۸- استقرار پایگاه های نظامی متعدد در اطراف ایران
- ۹- ترور نخبگان علمی و نظامی ایران
- ۱۰- راه اندازی و حمایت از آشوب های خیابانی در ایران

ایران قوی

اما برخلاف تصور و برنامه ریزی دشمن، ایران نه تنها در برابر این حملات و اقدامات، شکست نخورد، بلکه بعد از ۴۴ سال، خیلی قوی تر از سال ۵۷ شده و این رشد ایران، دشمن را عصبانی و در بعضی از بخش ها ناامید کرده. دشمن داره میبینه ایرانی که در زمان جنگ یه سیم خاردار نداشت و کسی بهش نمی داد، امروز پهپاد به روسیه صادر میکنه، موشک بالستیک قاره پیما تولید میکنه که میتونه چند هزار کیلومتر آنطرف تر شو نقطه زنی کنه.

دشمن وقتی میبینه داعش رو به جون ایران انداخت، داعشی که همه دنیا، حمایتش کردند، براش پول و سلاح و امکانات فرستادن، اما ایران

نه تنها داعش را نابود کرد بلکه جایگاه مهمی تو عراق و سوریه و یمن و کشورهای دیگر پیدا کرد. اینا، آمریکایی‌ها رو عصبانی کرده.

دشمن میبینه این همه فشار اقتصادی آورد تا مردم رو از جمهوری اسلامی جدا کنه و مردم رو روبروی نظام قرار بده، اما میبینه همین مردم با حضور چند میلیونی تو راهپیمایی‌ها، انتخابات، اربعین و سرود سلام فرمانده اعلام می‌کنند که درسته زیر فشار اقتصادی هستیم ولی حاضر نیستیم دوباره پای آمریکایی‌ها به کشور باز بشه.

وقتی میبینه ما روز به روز تو صنعت هسته‌ای پیشرفت می‌کنیم بدون اینکه وابسته اونا باشیم، یا اینکه روزی چین و روسیه که زمانی رفیق آمریکای‌ها بودند، امروز اومدن سمت ایران و به حمایت از ایران، تعاملات تجاری و اقتصادی با ایران برقرار می‌کنند.

سقوط آمریکا

این دشمن رو عصبانی کرده. این دشمنی که از طرفی پیشرفت ایران را میبینه و از طرفی افول و ضعف خودش رو مشاهده می‌کنه. امروز آمریکا بسیار ضعیف‌تر از ۴۰ سال قبل شده. این رو خود آمریکایی‌ها می‌گن. به گزارش اداره خزانه داری آمریکا، بدهی آمریکا بیش از ۲۲ تریلیون دلار. بر اساس گزارش رسمی خود کشور آمریکا، نسبت به ۳۰ سال قبل، خشونت جرم ۶ برابر، زاد و ولد‌های نامشروع ۵ برابر، طلاق ۵ برابر، فرزندان که فقط پدر یا مادر دارند ۴ برابر و خودکشی جوانان و نوجوانان سه برابر شده. وزارت کشاورزی آمریکا اعلام کرد ۴۱ میلیون نفر در آمریکا با مشکل گرسنگی روبرو هستند. آمریکا در جرائم همراه با خشونت، مصرف مواد مخدر، کشتار مردم خود به وسیله پلیس، رتبه یک دنیا رو داره. طبق آمار رسمی، سالانه بیش از ۱۰۰۰ نفر به دست پلیس در آمریکا کشته می‌شوند. این آشفتگی اوضاع درونی آمریکا و از طرفی دیدن رشد و پیشرفت ایران، دشمن رو عصبانی کرده. البته هم در اروپا و آمریکا، پیشرفت‌هایی هست؛ هم در ایران، نقص و ضعف‌هایی هست که منکر این‌ها نیستیم. ولی وقتی مسیر کلی را از زاویه دشمن نگاه می‌کنیم می‌بینیم که آنها به دنبال نابودی انقلاب اسلامی در روزهای اول انقلاب بودند ولی می‌گویند این انقلاب روز به روز ریشش محکم‌تر میشه.

اون روزی که خبرنگار با صدام مصاحبه می‌کنه و در میان مصاحبه صدام صحبت رو قطع می‌کنه و بهش میگه ادامه مصاحبه هفته دیگه توی تهران؛ الان صدام کجاست، ایران کجاست!!

این همه حاکمان خیبت آمریکایی و اسرائیلی که نقشه نابودی ایران رو کشیدن، زیر خوارها خاک هستن و ایران محکم ایستاده، این ماجراها، دشمن را آشفتنه کرده، بالاخره برای ادامه حیات خودش هم که شده باید کاری کنه. به خاطر همین میبینیم تو این ماجرای اخیر، با تمام توان وارد شد، از طرفی تمام امکانات و آدمهای رسانه‌ای و فضای مجازی و سلبریتی های خودش رو به میدان آورد، از طرفی کموله های تروریست عراقی رو تجهیز کرد تا وارد ایران بشن، از طرفی تروریست های جیش العدل تو سیستان رو به میدان آورد، از طرفی هم تیم های تروریستی کوچیک ده الی پانزده نفره رو تو تمام کشور، پخش کرد تا کشت و کشتار راه بندازه و مردم رو نسبت به نظام بدبین کنه.



روش های دشمن برای تضعیف ایران و ایرانی:

دشمن برنامه ریزی کرده تا ما را ضعیف کنه تا بتونه بر ما مسلط بشه. خوب چه جور ضعیف کنه؟ از راه های گوناگون. یکی از روش هاش اینه که جوان ها و نوجوان ها رو از طریق فضای مجازی و رسانه ها، منحرف کنه، حقایق را برعکس کنه، براشون فساد را زیاد بکنه.

چرا تو کشورهای غربی، بسیار از شبکه ها با دریافت هزینه از مردم ارائه می‌شوند ولی برای مردم ما که دارو را تحریم می‌کنند، دغدغه دارند اینترنت رایگان بفرستند و کلی شبکه ماهواره رایگان در اختیار ما بگذارند. برای اینکه ایران را تجزیه کنند، تکه تکه اش کنن.

شاید نقشه خاورمیانه جدید که اونا طراحی کردند رو دیده باشید میخوان ایران رو به پنج، شش تکه تقسیم کنند تا ما ضعیف بشیم. هم جمعیتمون کم بشه، هم منابع مون، هم ثروت مون کم بشه و بعد از تجزیه، همه با هم درگیر باشیم، همش با هم بجنگیم، شیعه با سنی بجنگه، کرد و ترک با هم بجنگن، دیگه فراموش کنیم، آمریکا دشمن مشترک ماست.

تمام این ماجراها و بازی ها به خاطر همین نابودی من و تو ایرانی است. آمریکایی ها و صهیونیست ها اگه میتونستن به ما حمله نظامی می‌کردند. شک نکنید! لحظه ای تامل نمی‌کردن، مگه وقتی خواستن به عراق حمله

کنن، از کسی اجازه گرفتن؟ شبانه حمله کردند و کلی عراقی بیگناه را کشتند. آمارها نشون میده بیش از یک میلیون نفر در عراق توسط آمریکایی ها کشته شدند!!!

اونا دلشون برامون نسوخته که حمله نمیکنند. نمیتونن حمله نظامی کنن، چون میدونن اون قدر ما از لحاظ نظامی قوی هستیم که اگه اونا حمله ای بکنن، حداقل اسرائیل را با خاک یکسان میکنیم. یه گوشه از این قدرت نظامی را آمریکایی ها تو حمله ایران به عین الاسد دیدن که موشک های ایرانی رو سرشون اومده اما نتونستن از خودشون دفاع کنن. انشالله خدا ما رو روز به روز در مقابل دشمنانمون قوی تر کنه و افول و نابودی آن ها را به زودی به چشم ببینیم.



روایت چهارم

دو نگاه به زن

هم در مکتب دینی و هم غیردینی، شعار دفاع از حقوق زنان دیده می شود. اما واقعاً کدام مکتب، زمینه را برای پیشرفت واقعی زن فراهم می کند. در اندیشه غیر دینی و غربی زن ابزاری است برای پیشرفت و رفع نیازهای مرد، زن به عنوان شهروند درجه دو، به نسبت مرد دیده می شود اصلاً یکی از دلایلی که در غرب جریان فمینیست برای دفاع از حقوق زنان راه افتاد، استفاده ابزاری از زنان بود. چرا که در اصل سرمایه داران اقتصادی بزرگ این جریان را به راه انداختند تا بتوانند با شعار آزادی و حقوق زنان، زنان را از درون خانه، به اجتماع کشیده، تا بتوانند آنها را وارد چرخه اقتصادی کرده و به عنوان کارگر ارزان و جذاب مورد بهره کشی قرار بدهند.



سو استفاده غرب از شعار حقوق زنان:

مثلاً در سال ۱۹۲۰، زمانی که در آمریکا خانم‌ها سیگار نمیکشیدند، شرکت دخانیات آمریکا با استفاده از خواهرزاده میلتن فریدمن اقتصاددان معروف آمریکایی، برای سود و درآمد بیشتر مالی، زن‌ها را به سیگار کشیدن تشویق کرد. آنها سیگار را به عنوان مشعل زنان فمینیست برای دفاع از حقوقشان معرفی کردند و با این کار بخش عمده ای از جامعه زنان آمریکا سیگاری شدند.

در موردی دیگر در سال ۱۹۷۴ یک انقلابی نزدیک شوروی در کشور پرتغال اتفاق افتاد که آمریکایی‌ها با راه انداختن موج فمینیست، زن‌ها را با بدترین پوشش در معرض نمایش مردان انقلابی قرار داده و با این کار مردان انقلابی را به فساد و فحشاء کشاند و در نتیجه ماهیت انقلاب پرتغال به کلی عوض شد، بطوریکه لیسبون که پاکترین شهر اروپا بود در عرض دو سال تبدیل به فاسدترین شهر اروپا شد.



نگاه شاه به زن

قبل از انقلاب، شاهی این مملکت را اداره می کرد که نگاهش به زنان، یک نگاه ابزارى و جنسیتی بود. وقتى خبرنگار زن ایتالیایی در سال ۱۳۵۲ درباره نقش زنان در جامعه از محمدرضا پهلوى سوال میکنه، او جواب میدهد: در زندگی یک مرد، زن به حساب نمی آید مگر وقتى که زیبا و دلربا باشه. خصوصیات زنانه خودش رو حفظ کرده باشه اصلاً شما تا حالا دیدید یک زن بتواند آشپز بزرگ بشود؟ چند نفر زن سراغ دارید که بتواند یک مملکت را مدیریت کند؟ اصلاً شما هیچ چیز بزرگی نداشتید؟

خب! ببینید تو نگاه شاه این مملکت که از دین و خدا بویی نبرده، زن چقدر حقیر و کوچک است. یا اینکه مادر شاه میگه: محمدرضا عاشق زن ها بود، چه شوهردار چه بی شوهر. ایرانی یا خارجی. در مقابل زنان مو طلایی دست و پاش سست شد. این روایت مادر شاه این مملکت است که نگاهش به زن، یک نگاه جنسیتی و ابزارى است نه انسانی.

رشد و پیشرفت زنان بعد از انقلاب

در اندیشه دینی و بعد از انقلاب اسلامی نگاه به زن از حالت ابزارى خارج شد و زمینه رشد و پیشرفت برای زنان و دختران فراهم شد. به چند نمونه اشاره می کنیم:

- ۱- مثلاً قبل از انقلاب، فقط هفت رشته ورزشی برای بانوان وجود داشت؛ در حالی که بعد از انقلاب به ۳۸ رشته ویژه بانوان رسید.
- ۲- قبل از انقلاب فقط یک ورزشگاه اختصاصی برای زنان وجود داشت ولی بعد از انقلاب به ۳۰ ورزشگاه اختصاصی ارتقا پیدا کرد.
- ۳- در موضوع تحصیلی، نسبت پزشکان متخصص زن به مرد از ۱۵ درصد به ۴۰ درصد رسید.
- ۴- پزشکان متخصص زن در حوزه بیماری های زنان از ۱۶ درصد به ۹۸ درصد رسید.

نمونه هایی از افول پیشرفت و حق زنان در غرب:

- ۱- وقتى به کشورهای غربی نگاه میکنیم میبینیم بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶، با وجود افزایش آمار خودکشی بین مردان با نرخ ۲۱ درصد، آمار افزایش خودکشی در زنان به ۵۰ درصد رسیده است که این آمار، نشان از

افزایش بیماری‌های روحی و روانی زنان در غرب است.

۲- در کشور آمریکا، سرپرست اقتصادی ۴۷ درصد از خانواده‌ها، زنان هستند که این آمار در فرانسه ۴۹ درصد است. این آمار نشان از تحمیل وظایف سنگین اقتصادی و زنان در کشورهای غربی است. اما در ایران فقط ۱۲ درصد خانواده‌ها، زنان وظیفه تامین معاش و درآمد را به عهده دارند.

۳- در برخی کشورهای غربی، آسیایی سربازی برای زنان اجباری است مثل اسرائیل، سوئد، چین. ولی در ایران، زنان از این وظیفه معاف هستند.

۴- در آمریکا ۴۰ درصد، در فرانسه ۶۰ درصد فرزندان، نامشروع به دنیا میان. شاید شما بگید که چه مشکلی داره اونجا که دینی وجود نداره که بخواد فرزند مشروع به دنیا بیاد. آسیب این اتفاق اینه که ۸۸ درصد مردها، بعد از فرزندآوری، این خانم‌ها را رها میکنند و بار بزرگ کردن این بچه و فشار اقتصادی بر دوش این زن‌های تنهایی افتاده. رواج بی بند و باری و فساد در جامعه ظلم بیشتری در حق زن‌ها هست.

۵- شاید براتون عجیب باشه که در کره جنوبی مادر بزرگ‌های بالای ۶۵ سال اکثراً به تن فروشی روی میارند چون به تنهایی باید بار مالی خانواده را به دوش بکشند و همسری ندارند که در تامین معاش و درآمد به آنها کمک بکنه.



